

لوح و توقیع

محمد افنان

در دور اسلام و امر بدیع که زبان آثار نازله عربی و فارسی است عناوینی که برای متون آثار معمول و مرسوم است محدود به اسامی معینی است که از همه قدیمی تر اصطلاح کتاب و سوره است. کتاب مجید یعنی قرآن مشتمل بر مقدار معینی سوره است و این اصطلاح مأخوذ از متن آیات قرآنی است.

در امر بدیع آثار نازله از قلم حضرت نقطه اولیٰ به توقیع و آیات منزوله از سماء اراده جمال ابهیٰ به لوح شهرت دارند. ضمناً بعضی نیز رأساً از قلم ابهیٰ و اعلیٰ به اسم کتاب و سوره نامگذاری شده اند. (۱)

معنی توقیع اساساً بمعنی تأیید حکم و امضای آن به قلم مرجع مطاع و مختار است و توقیع کردن در لغت همین معنی و مفهوم را بطور کلی داراست. اما در شیعه بطور اخص توقیع به اوامر صادره از قائم غائب موعود اطلاق شده است. اگرچه حضرت نقطه آثار خود را به آیات و مناجات و خطب و تفاسیر و صور علمیه و کلمات فارسیه طبقه بندی فرموده اند که هر یک را می توان به آسانی از دیگری باز شناخت، اما آثار حضرتش آنچه خطاب به نفوس و افراد معین و مشخص است عموماً به عنوان توقیع شناخته میشود و این اصطلاح در آثار جمال قدم مذکور و تشبیه شده و مکرر آمده است (۲) و به آثار صادره از قلم موعود بیان یعنی جمال مبارک نیز اطلاق شده است. (۳) و حضرت عبدالبهاء عنوان توقیع را به آثار صادره از قلم حضرت بهاء الله که مزین به خاتم مبارک می شده نیز اطلاق فرموده اند. (۴) و بالاخره عنوان توقیع در باره الواح صادره از حضور حضرت ولی امرالله بمناسبت اینکه عموماً موشح و مزین بامضای مبارک بعد از انشاء و املاء کاتب بوده است نیز معمول گردیده است. بالاخره شاید بتوان گفت که اساساً

رواج عنوان توقیع برای آثار و کلمات حضرت نقطه برای اولین بار اظهار ضمنی این حقیقت بوده که قائم موعود ظهور فرموده است.

عنوان لوح دارای مفاهیم مختلفه است. بطور کلی هر صفحه صاف و هموار لوح نامیده شده، بدین مفهوم که قابلیت پذیرش نقوش و آثار دارد و بهمین سبب بسیاری از مفاهیم مجرد و غیرمادی را بکمک آن اظهار میدارند، مثلاً ترکیباتی چون لوح سینه، لوح دل، لوح وجود، لوح ساده در آثار ادبی فارسی بکار رفته است. اما اصطلاح لوح در آثار بهائی حاکی از دو کیفیت است: نخست عامّ که در آثار مبارکه گاهی متضمن مفاهیم روحانی است (۵) و گاهی نیز دارای کیفیت ظاهری میباشد یعنی قابل دیدن و به دست آزمودن است. (۶) دوم کیفیت خاصّ که به آثار منزوله از قلم مظهر وحی عنوان لوح اطلاق شده است.

در آثار حضرت نقطه کلمه لوح مکرّر آمده (۷) اما تا آنجا که معلوم است هیکل مبارک آیات و کلمات دور بیان را به عنوان لوح تسمیه فرموده‌اند. عنوان لوح منشأ قرآنی دارد و برای متون احکام عَشْرَه نازل بر حضرت موسی در آن کتاب کریم بکار رفته است. حضرت بهاءالله عنوان مزبور را برای آثار خود مکرّر فرموده‌اند بمفهومی که یاد آور این حقیقت است که این آثار نازل از ملکوت الهی است. (۸)

اصطلاح لوح برای آثار صادره از قلم حضرت عبدالبهاء نیز بکار رفته و می‌رود، گو اینکه حضرتش بمنظور اظهار احترام به جمال قدم بآثار خود عنوان مکتوب اطلاق فرموده که مجموعه مکاتیب که سه جلد آن در زمان هیکل اظهارش به طبع رسیده عنوان مزبور را گرفته است. ظاهراً جناب فاضل مازندرانی بکار گرفتن عنوان لوح و مکتوب را مناسب ندیده، لذا بجای مکتوب اصطلاح خطاب را برگزیده (۹) است گو اینکه خطابات و خطابه به بیانات شفاهی آن حضرت اختصاص یافته است و مهمتر آنکه آنچه در آثار مرکز منصوص بکار رفته فصل الخطاب است. بغیر از این عناوین که مذکور شد اصطلاحاتی چون رساله و صحیفه (۱۰) نیز معمول است که اکثراً بنا بر تعیین و تصریح منزل آن کلمات است. بمرقومات و مراسلات صادره از بیت‌العدل اعظم عنوان دستخط و پیام توسط نفس معهد اعلی داده شده است.

- بالاخره اصطلاحاتی که بطور مطلق بر آثار مبارکه اطلاق میشود کلام و کلمات و آیات (۱۱) است که بیان کننده کیفیت و نوعیت الهامی و نزولی این آثار میباشد. ذیلاً شواهد ومدارکی که موید مطلب است ذکر میشود:
- ۱- از آثار حضرت بهاءالله: کتاب اقدس، کتاب عهدی، سورة الذکر، سورة القمیص از آثار حضرت نقطه: کتاب اسماء، کتاب الروح، کتاب الفهرست، سور مختلفه قیوم الاسماء
 - ۲- از جمله در کتاب مستطاب ایقان در بند ۲۵۶ می فرمایند "و ربّ اعلیٰ روح ماسواه فداه بخصوص به جمیع علمای هر بلدی توقیعی صادر فرمودند"
 - ۳- از جمله حضرت بهاءالله در لوحی که با "هو العزیز الباقی ان یا نسیم الفردوس هب علیٰ الممكنات بما هبت علیک نسائم القدس من هذا الشطر المتعالی العزیز المنیر" آغاز می شود (مجموعه منتشره توسط محفظه ملى آثار شماره ۶، صفحات ۱۹-۱۵۶) موجود است می فرمایند "این توقیع را از دون اهلش اگر مستور شود احسن است زیرا اعمی حقیقی قابل ملاحظه آفتاب معنوی نبوده و صمیم حقیقی لائق استماع کلمات الهی نه"
 - ۴- به لوح مبارک هزار بیتی خطاب به جلیل خونی در جلد چهارم "منتخباتی از مکاتیب" صفحات ۲۷۸ الی ۲۷۹ مراجعه شود "یکی از حضرات افنان توقیعی جدید داشت و استدعا نمود که فوق توقیعی به خاتم مبارک مزین گردد" الی آخر
 - ۵- از شواهد فراوان به چند نمونه اکتفا شده است مانند لوح فوآد (رساله غنا، از حضرت ربّ اعلیٰ) لوح الجلال (کتاب اقدس بند ۸) لوح محفوظ، لوح حفیظ، الواح امکانی و اکوانی (دلایل سبعة - ابتدای قسمت فارسی)
 - ۶- مانند لوح مسطور بمعنی مکتوب (دلایل سبعة - ابتدای قسمت فارسی، بیان فارسی واحد چهارم - باب ۱۱ و واحد هفتم - باب ۳)
 - ۷- از جمله میتوان به قیوم الاسماء - سورة الحیّ (۳۲) رجوع نمود که می فرماید "فسوف تجدون اعمالکم عند الله فی لوح قد کان من ایدي الذکر علی الحقّ بالحقّ مکتوباً" که متضمن مفهوم مجرد و روحانی است. مفهوم بیان این است که بزودی آنچه را کرده اید در لوحی که ذکرالله (حضرت باب) بحق مرقوم فرموده خواهند یافت.

۸- از جمله "بشّرههم بما ذکرت اسمائهم فی لوحی الحفیظ" مجموعهٔ محفظهٔ مَلّی آثار شمارهٔ ۷ صفحهٔ ۴۰. مفهوم بیان این است که متضمن بشارت به اهل ایمان است که نامشان در لوح حفیظ یاد شده است.

"آفتاب خلوص از قلوب بعضی مشرق و لائح است قد رقت اسمائهم من قلمی الاعلیٰ فی لوحی العظیم" ایضا، صفحه ۱۲۵ "قدّسوا انفسکم عن کلّ ما یأمركم به اهوائکم کذلک امرناکم به من قبل فی لوحی المسطور" مجموعهٔ محفظه آثار شمارهٔ ۱۵ صفحه ۱۰۲. مفهوم بیان این است: امر باینکه خود را از آنچه دلخواه شماست پاکیزه سازید، چرا که این همانست که از قبل در لوح من که نوشته شده بآن مأمور شده اید. "خذ لوحی بایادی التّسلیم ثم ضعه علیٰ بصرک و قل لک الحمد یا آلّه العالمین" مجموعهٔ محفظه آثار شمارهٔ ۱۸ صفحه ۱۰۳

"لوحی به خط ابهی نازل و ارسال شد." مجموعهٔ محفظه آثار شمارهٔ ۱۸، صفحه ۵۴۶. "در لوحی از الواح از سماء مشیت این کلمه علیا نازل ... کلمات فردوسیّه، ورق سوّم از فردوس اعلیٰ"

۹- اسرار الآثار - مقدمه مؤلف (فاضل مازندرانی)

۱۰- حضرت بهاءالله : ۱- صحیفه الله المهیمن القیوم - عنوان "تجلیات"

۲- هذه صحیفه الله المهیمن القیوم عنوان "اشراقات"

۳- صحیفه شطیه

۴- رسالهٔ ابن ذئب

حضرت نقطه : صحیفهٔ بین الحرمین، صحیفهٔ مخزونه، از جمله صحائف مذکور در خطبهٔ ذکریه (ذکر عشر صحیفه متقنه) ظهورالحق ۳، صفحه ۲۹۰، رسالهٔ عدلیّه، رسالهٔ ذهبیه.

۱۱- وفور کلمه "آیات" در آثار جمال اقدس ابهی و حضرت ربّ اعلیٰ خارج از حدّ حساب است و بآسانی شواهد آن را میتوان زیارت نمود. استفاده از اصطلاح کلام و کلمات: کلمات مکنونه، کلمات فردوسیّه، کلمات عالیات